

تبلیغ در سیره

۹

گفتار عارفان (۱)

رحیم کارگر

ارشاد و آگاه ساختن جامعه استوار بوده است.

اهمیت تبلیغ در گفتار و کردار عارفان

عارف نامور مرحوم بهاری همدانی رحمته الله علیه درباره‌ی اهمیت تبلیغ می‌نویسد:

در حدیث آمده است که دانشمندان و ارثان پیامبرانند. شکی نیست و بی‌گمان مراد از این ارث، درهم‌ها و دینارها نیست، بلکه ارث بردن از حیث رسالت و تبلیغ احکام و بازگرداندن مردمان از راه‌های کج به سوی جاده‌ی مستقیم و تا آن جا که امکان دارد حفظ و نگهداری آنان در راه مستقیم است»^(۱).

عارف کامل، مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی نیز می‌گوید:

«از کارهای مهم... برای اهل علم، وعظ و امامت جماعت است.

گفتنی است که اگر عالم، قوی و

اشاره

با توجه به این که در شماره قبل قسمتهای از این مقاله افتادگی داشت، جهت استفاده خوانندگان گرامی، قسمت اول این گفتار به طور کامل همراه با بخش دوم آن در این شماره از مجله درج گردید.

امید آن که مورد توجه و رضایت خاطر خوانندگان عزیز قرار گیرد.

* * *

«تبلیغ»، «ارشاد»، «وعظ»، «هدایت»، «دعوت»، «بشارت»، «منبر»، «اندرز»، «پند»، «نصیحت» و... گل واژه‌های نورانی گلستان دین شمرده می‌شود.

تبلیغ وظیفه‌ی اصلی پیامبران و اولیای خداوند است و با هدف آگاهی بخشی و هدایت تحقق می‌یابد.

سیره‌ی عملی و علمی عارفان و دانشمندان ربّانی، همواره بر پایه‌ی الهی

«تبلیغ»، «ارشاد»، «وعظ»،
 «هدایت»، «دعوت»، «بشارت»،
 «منبر»، «اندرز»، «پند»، «نصیحت»
 و... گل واژه‌های نورانی گلستان
 دین شمرده می‌شود.

بخششی است و نیکو هدیه‌یی است
 موعظه و پند و اندرز؛ چنان که خداوند
 سبحان به موسی عَلَيْهِ السَّلَام وحی فرمود که، ای
 موسی، یاد بگیر خیر و موعظه را و یاد
 بده کسی را که نمی‌داند؛ همانا من روشن
 می‌کنم قبر یاد دهنده و یاد گیرنده را و
 برطرف می‌نمایم از آنان وحشت را.

... نزد خدا هیچ صدقه و احسانی،
 مانند موعظه و پند و اندرز نیکو و
 محبوب نیست. خداوند مردمان گمراه و
 پراکنده را به وسیله‌ی موعظه نفع
 می‌بخشد و این کار بهتر از عبادت یک
 سال است.

پس ای عاشق هشیار، گوش فرادار
 برای شنیدن موعظه و روی مگردان از
 ذکر خدا...» (۳).

آری، داعیه داران تقوا و ایمان و
 سالکان الی الله وظیفه دارند، در کنار
 تهذیب نفس خود، به ارشاد و راهنمایی
 دیگران نیز پردازند و دریچه‌های علوم و
 معارف الهی را به روی مردم بگشایند.

اسلام، چنان که با بی‌بند و باری و
 کارهای زشت مخالف است، گوشه‌گیری
 را نیز نمی‌پسندد و همگان را به نزدیکی
 به خدا و حضور فعال در جامعه‌ی ایمانی

مجاهد بوده و از کسانی باشد که
 مدتی با نفس خود جهاد کرده و در طول
 جهاد، راه‌های پنهان نفوذ شیطان و
 پوشش‌های هوای نفس را پیدا کرده
 است، نباید از وعظ و امامت جمعه دوری
 کند؛ زیرا این دو، مورد اهتمام شرع
 است، به خصوص وعظ [و تبلیغ]؛ زیرا
 هیچ کدام از کارهای خوب، فایده‌ی وعظ
 را نداشته و تمامی اعمال خیر نتیجه‌ی
 وعظ [و تبلیغ] است» (۲).

صاحب «ارشاد القلوب» نیز، ضمن
 بیان سخنان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، همگان را
 به قبول وعظ سفارش کرده، می‌نویسد:

«پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هدیه‌یی
 نداده است مسلمانی به برادر مسلمانش
 که بهتر و بالاتر از موعظه و کلمه‌ی
 حکمتی باشد که در شنونده هدایت را
 زیاد کند و او را از معصیت و هلاکت دور
 نماید.

همچنین آن حضرت فرمود: نیکو

فرا می خواند.

امام خمینی - قدس الله نفسه الزکیه -
می فرماید:

«خیال می شود، کسی که اهل سلوک است... باید به مردم دیگر کار نداشته باشد. در شهر هر چه می خواهد بگذرد؟! من اهل سلوکم، بروم یک گوشه بی بنشینم، ورد بگویم و سلوک پیدا کنم. این سلوک در انبیا زیادتر از دیگران بوده است، لیکن نرفتند توی خانه شان بنشینند و بگویند ما اهل سلوکیم و چکار داریم به ملت چه می گذرد و هر کس هر کاری می خواهد بکند. پس اگر بنا باشد که اهل سلوک باید بروند کنار بنشینند، پس باید انبیا هم همین کار را بکنند و نکردند. موسی بن عمران اهل سلوک بود، ولی مع ذلک رفت سراغ فرعون و آن کارها را کرد؛ و ابراهیم هم همین طور. رسول خدا ﷺ هم که همه می دانیم.» (۴)

استاد حسن زاده آملی نیز درباره‌ی اهمیت تبلیغ می فرماید:

«وقتی یکی از استادان بزرگوایم به این بنده می فرمود که به آمل نرو ضایع می شوی، مرحوم الهی [قمشه‌یی]

فرمودند: برو که اگر امثال شما حمایت دین را به عهده نگیرند، مبادا...» (۵)

نویسنده‌ی کتاب فضیلت‌های فراموش شده در شرح حال پدر ارجمندش، حاج آخوند ملا عباس تربتی، می نویسد:

«مرحوم حاج شیخ علی اکبر [تربتی یکی از شاگردان مبرز آخوند خراسانی رحمته الله علیه و از مجتهدان جامع الشرایط در خراسان] پس از آن که به احوال پدرم آشنا می شود، عقیده‌ی مفراطی درباره‌ی او پیدا می کند و به او اصرار می ورزد که زندگی خود را یکباره از ده به شهر تربت منتقل کند. اما پدرم برای رعایت حال پدرش عذر می آورد. پس از آن که پدرش فوت می کند، مرحوم حاج شیخ بر اصرار خود می افزاید تا آن که بالاخره می گوید: من به عنوان حاکم شرع حکم می کنم که بر شما واجب است که به تربت منتقل شوید و اگر این کار را نکنید، آدم با شتر می فرستم که اثاث شما را بار کنند و به تربت بیاورند. ... ترویج دین بر شما واجب است و این کار در شهر بیش تر میسر است.» (۶)

تبلیغ سبب زنده نگه داشتن یاد خدا

و فضائل و حقانیت اهل بیت علیهم السلام است. امام صادق علیه السلام از فضیل پرسید: با یکدیگر می‌نشینید و حدیث می‌گویید؟
پاسخ داد: آری، قربانت گردم.
حضرت فرمود:

إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبَّهَا، فَاحْيُوا أَمْرَنَا
يا فضيل.

رحم الله من احيا امرنا يا فضيل من
ذكرنا عنده فخرج من عينه مثل جناح
الذباب غفر الله له ذنوبه. (۷)

این مجالس را دوست دارم، روش و معارف ما را زنده سازید. فضیل، خدا بیامرزد کسی که امر ما را زنده سازد. فضیل، کسی که ما را نزد او یاد کنند و [در مصیبت ما] به اندازه‌ی بال مگسی از دیدگانش سرشک روان شود، خدا گناهانش را می‌آمرزد.

آداب و شرایط عرفانی تبلیغ و
موعظه

۱- اخلاص

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ الشَّرْكَ
الْأَصْغَرَ، قَالُوا وَمَا الشَّرْكَ الْأَصْغَرُ يَا رَسُولَ
اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: الرِّيَا. قَالَ صلی الله علیه و آله: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ
وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا جَازَ الْعِبَادَ بِأَعْمَالِهِمْ:

اذهبوا الى الذين كنتم تراؤن في الدنيا،
فا نظروا هل تجدون عندهم الجزاء (۸).

بیش از هر چیز از شرک کوچک بر شما بیمناکم. گفته شد: پیامبر خدا، شرک کوچک چیست؟ فرمود: ریا. سپس فرمود: خدا در روز قیامت - که پاداش بندگان را عطا می‌کند - به ریاکاران می‌فرماید: بروید نزد آنانی که برایشان ریا کردید و بنگرید آیا پاداش کارهایتان را نزد آنان می‌یابید؟

دانشمند وارسته شیخ عباس قمی می‌نویسد: «بایسته است واعظ در کار خویش وجه خدای تعالی و امتثال فرمان او را در نظر بگیرد و اصلاح نفس خود و ارشاد بندگان خدا به معالم و معارف دین را بخواهد. کرسی وعظ و ارشاد را نردبان رسیدن به متاع و موقعیت دنیایی قرار ندهد... سزاوار است واعظ آنچه را می‌گوید خود به کار بندد تا چنان چراغی نباشد که خود را تباه سازد و بسوزد و دیگران را نور و فروغ بخشد.» (۹)

استاد بزرگ اخلاق و عرفان میرزا جواد آقا ملکی تبریزی نیز می‌فرماید:
«بر [مبلّغ و واعظ] در رأس همه‌ی

کارها، نیت پاک و اخلاص راستین لازم است تا از آفت‌های آن در امان ماند. باید خود را بیازماید که انگیزه‌ی او در ارشاد و موعظه چیست؟ اگر دین است، به کار موعظه بپردازد و اگر - خدای نخواستہ - انگیزه‌ی او آلوده به خواهش‌های نفسانی است یا اخلاص کارش بر او روشن نیست، موعظه‌ی خلق را ترک کرده، به سازندگی خویش بپردازد و در پی کسب گوهر گران سنگ «صدق و اخلاص» برآید.

اگر در به دست آوردن صدق در اخلاص راستگو باشد، خداوند به حکم این آیه که «و کسانی که در راه ما تلاش و کوشش کردند، آنان را حتماً به راه خویش هدایت می‌کنیم»^(۱۰)، او را هدایت خواهد کرد...^(۱۱).

سحر ز هاتف غیبم رسید مژده به گوش

چو قرب او طلبی در صفای نیت کوش

اخلاص، سر سپردن به درگاه دوست و دل برکنندن از هوای غیر او است. اخلاص، نور کلام عارفان و گوهر پیام واعظان است.

اخلاص به معنای پاک سازی کردار از ناخالصی‌هایی چون ریا و عجب است. یکی از عارفان می‌گوید: «اخلاص آن است که چون عمل کنی، دوست نداری تو را بدان یاد کنند و ... بزرگ دارند ... و طلب نکنی ثواب عمل خویش از هیچ کس، مگر از حق تعالی.»^(۱۲)

در تفسیر کشاف می‌خوانیم:

«اخلاص بر چهار قسم است: یکی اخلاص در گفتار، دوّم اخلاص در افعال، سوّم اخلاص در عبادات و چهارم اخلاص در احوال».

بی‌تردید اگر تبلیغ و وعظ تنها برای احیای معارف دینی تحقق یابد، آثار مثبت بسیار در پی دارد.

اخلاص، سر سپردن به درگاه دوست و دل برکنندن از

هوای غیر او است. اخلاص، نور کلام عارفان و گوهر پیام

واعظان است.

بانو امین اصفهانی در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد:

«اعمال و رفتار را برای خدا خالص کن و در قبال آن کارها مزدی مطلب؛ بلکه کارهای خالصت را نردبان لقا و دیدار خدای تعالی کن... در همه‌ی کارهایت به او توکل کن؛ زیرا هر کس آموزش را به خدا بسپارد، خداوند او را بس است» (۱۳).

آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله از عارف بزرگ حاج شیخ عباس تهرانی چنین یاد می‌کند:

«من و آقای خمینی رحمته الله و حاج شیخ عباس به درس اخلاق میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می‌رفتیم... یک روز بعد از اقامه‌ی نماز ظهر و عصر در حرم حضرت معصومه علیها السلام، برای کاری از فیضیه عبور کردم، چون وارد شدم، از دور دیدم آقای روی منبر نشسته و عده‌ی از طلاب جوان پای منبر ایشان نشسته بودند و به شدت گریه می‌کردند: با خود گفتم: این واعظ کیست؟ چون

نزدیک رفتم، دیدم آقا شیخ عباس تهرانی هستند. ایشان همان مطالبی را که ما می‌گوییم، می‌گفت؛ آیات و روایاتی را می‌خواند که ما هم در منبرهایمان می‌خواندیم؛ اما این تأثیر را نداشت. ایشان حال و هوایی داشت که انسان را منقلب می‌کرد و معلوم بود یک واقعیتی در کارش هست (اخلاص) و به سخنان خویش رسیده و ایمان دارد.» (۱۴)

پی‌نوشت

- ۱- تذکرة المتقین، ص ۱۲۹.
- ۲- المراقبات (اعمال السنه)، ص ۲۸۱.
- ۳- ارشاد القلوب دیلمی، ج ۱، ص ۳۰ و ۳۱.
- ۴- سخنرانی مورخه ۶۵/۶/۲.
- ۵- نامه‌ها بر نامه‌ها، ص ۸۶.
- ۶- فضیلت‌های فراموش شده، ص ۱۶۴.
- ۷- بخار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.
- ۸- بخار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۳.
- ۹- مجله حوزه، شماره ۴۷، ص ۸۱.
- ۱۰- سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹.
- ۱۱- المراقبات (اعمال السنه)، ص ۲۸۲.
- ۱۲- تذکرة الاولیاء، ص ۴۱۲.
- ۱۳- مجله حوزه، شماره‌ی ۴۱، ص ۹۷.
- ۱۴- دو عارف سالک، ص ۷۴ و ۷۵.